

سنت امداد و گونه‌های آن در قرآن کریم

علی بنایی*

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۸

چکیده

سنت‌های الهی عبارت‌اند از روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند. یکی از مهم‌ترین سنن الهی، سنت امداد است. بر مبنای این سنت، خداوند متعال تمامی بندگان خویش را اعم از خوبان و بدان، در راه دستیابی به اهدافشان، یاری می‌رساند و آنان را در به ثمر نشستن تلاش‌هایشان کمک می‌کند. آیات مختلفی در خصوص این سنت الهی نازل شده است. بر مبنای این آیات، سنت امداد، به اعتبارات مختلفی قابل تقسیم است و از این رو بر گونه‌های مختلفی انقسام می‌شود. همچنین سنن دیگری در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته‌اند که با توجه به جهت مشترکشان با سنت امداد می‌توان آن‌ها را سنن هم‌عرض این سنت الهی دانست. در این پژوهش که با روش کتابخانه‌ای و رویکردی توصیفی-تحلیلی سامان یافته، علاوه بر تأملی در مفهوم سنت و گونه‌های سنت امداد، به سنت‌های هم‌عرض آن نیز پرداخته می‌شود و در عین حال، نتایج اعتقاد به سنت امداد مورد بررسی قرار می‌گیرند که در پی این بررسی‌ها، ماهیت دقیق این سنت الهی روشن می‌گردد.

کلیدواژگان: سنت، سنت امداد، انواع امداد، مهدویت، قرآن کریم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

سنت در لغت به معنای پیشانی و صورت (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۰/۱۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۲۴/۱۳)، گونه‌ای خرما که در مدینه وجود داشته (جوهری، ۱۴۱۰: ۲۱۳۹/۵)، طریقه و روش (ابن اثیر، بی تا: ۴۰۹/۲)، طریق و روش پسندیده (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۰/۱۸؛ حمیری، ۱۴۲۰: ۲۹۰۲/۵)، طبیعت و سرشت (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۳۰۰/۱۸) و جریان الشیء (فارس بن زکریا، ۱۴۰۴: ۶۰/۳) آمده است. با این حال، به نظر می‌رسد، معنای حقیقی و موضوع له این واژه، «جریان الشیء» است و «اصل ماده سنت یک چیز می‌باشد که عبارت است از جریان امری منضبط» (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۲۳۷/۵). کلمه سنت با حفظ همین معنای لغوی و متکی به آن در علم تفسیر و در اصطلاح قرآنی خود عموماً با وصف الهی به کار می‌رود. در این اصطلاح «سنت الهی عبارت است از روشی که خداوند حکیم در تدبیر امور اتخاذ می‌کند» (طوسی، بی تا، ۳۶۲/۸) یا «روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌نماید» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۲۵). این ضوابط و روش‌ها، عمدتاً عمومیت دارند. از همین رو شهید مطهری از سنت‌های الهی تحت عنوان «نظامات لا یتغیر طبیعت» یاد می‌کند (مطهری، ۱۳۸۶: ۳۹۹/۱). این اصول و قوانین که همانند قوانین اساسی مرسوم در میان مردم جهان، دستخوش دگرگونی و تغییر نمی‌شوند، هم بر اقوام گذشته حاکم بوده‌اند و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهند کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۳۶/۱۷).

سنت امداد یکی از مهم‌ترین سنن الهی است که خداوند به اقتضای رحمت بیکران خویش در حق یاری‌کنندگان دین خود، جاری می‌سازد. مجرای این سنت همواره پس از جریان سنت هدایت است. بدین بیان که خداوند پس از ارائه هدایت به بندگان خویش به واسطه اعطاء و ارسال حجت‌های ظاهری و باطنی، آنانی که ندای فطرت خود را به گوش جان می‌شنوند و از فرامین حجج الهی تبعیت می‌کنند را با قدرت خداوندگاری خویش یاری می‌رساند تا در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایشان موفق و پیروز باشند. بر این اساس، سنت امداد در پی جریان سنت هدایت و نیز آزمایش و پس از گروه گروه و فوج فوج شدن بندگان خدا و تقسیم آن‌ها به بدان و خوبان یا مؤمنان و کافران، در حق

خوبان و مؤمنان جریان می‌یابد. امداد و نصرت الهی در حق بندگان نه تنها یک سنت جاری توسط خداوند است بلکه امری است که خداوند بر خود لازم و تکلیف نموده که هر کس او و دین او را یاری نماید، یاریش رساند. /امام علی علیه السلام در عهدنامه خویش به مالک اشتر می‌نویسد:

﴿هَذَا مَا أَمَرَهُ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ... أَمْرَهُ... أَنْ يَنْصُرَ اللَّهَ

سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَيَدِهِ وَلِسَانِهِ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ قَدْ تَكَفَّلَ يَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ وَإِعْزَازٍ مِنْ أَعَزَّهُ﴾

«این فرمانی است از بنده خدا، علی امیر مؤمنان به مالک اشتر پسر حارث ... {که} او را فرمان می‌دهد به ... اینکه خدای سبحان را یاری کند به دل و دست و زبان، چه او (جل اسمه) یاری هر که او را یار باشد، پذیرفته و ارجمندی آن کس که - دین - او را ارجمند سازد، به عهده گرفته است»
(صبحی صالح، ۱۴۱۴: ۴۲۶؛ شهیدی، ۱۳۷۸: ۳۲۵)

بر این پایه، امداد، نصرت و یاری مؤمنان و خوبان درگاه حق از جمله سنی است که خداوند آن را حتی به عنوان یک امر حتمی بر خود لازم دانسته و همواره در حق بندگان جاری می‌سازد. با این وجود، از برخی آیات قرآن کریم (اسراء/ ۲۰) چنین برمی‌آید که خداوند کافران را نیز بر مبنای سنت امداد در راه رسیدن به اهداف و مقاصدشان یاری می‌کند. بنابراین امداد الهی، شامل کافر و مسلمان، خوب و بد و خوش‌سیرت و بدسیرت می‌گردد و این خود نمایانگر رحمت بی‌کران پروردگار است. با این وجود، ضروری است علاوه بر تأمل در ماهیت سنت امداد، بررسی شود این سنت الهی چگونه و با چه شرایطی در حق مردمان جاری می‌شود؟ نگارنده بر آن است بررسی انواع و گونه‌های مختلف سنت امداد در قرآن، خود راهی است برای پاسخگویی به این پرسش اساسی. از همین رو، در ادامه پس از تعریف لغوی و اصطلاحی واژه «امداد»، به بررسی انواع و گونه‌های آن در قرآن پرداخته می‌شود. علاوه بر این، در این نوشتار تلاش می‌شود برخی از نتایج مهم باورمندی به این سنت الهی را تبیین نماییم و از این منظر، نقش حیاتی آن در شاکله نظام اعتقادی اسلام را روشن سازیم. همچنین با تکیه بر آیات مختلف، برخی از سنت‌های الهی که شباهت‌های اساسی با سنت امداد دارند را به عنوان سنن هم‌عرض این سنت مورد بررسی قرار می‌دهیم. به نظر می‌رسد برآیند این تأملات

که همگی متکی به آیات مختلف قرآن کریم می‌باشند، تصویری دقیق و همه‌جانبه از سنت امداد خواهد بود.

پیشینه تحقیق

در زمینه سنت‌های الهی، نوشته‌های مستقل فراوانی اعم از کتاب، پایان‌نامه و مقاله به رشته تحریر در آمده است. علاوه بر این متون که به بررسی سنت‌های الهی به صورت مستقل و متمرکز پرداخته‌اند، در تفاسیر شیعه و سنی نیز نکات و رهنمودهای راهگشایی در این زمینه به چشم می‌خورد. این تلاش‌ها همگی در جای خود ستودنی و در بسیاری از موارد از ارزش و جایگاه فراوانی برخوردارند. لکن نوشتار حاضر با دارا بودن این عقبه غنی و پرتوگیری از آن‌ها، به بررسی برخی از زوایا و نکات مهم در این عرصه پرداخته که به نظر گاه مغفول و مجهول مانده‌اند. بنابراین پژوهش پیش رو، علی‌رغم استفاده و استضائه از جستارهای علمی پیش از خود، در داده‌ها و نتایج فراچنگ آمده از آن‌ها، ایستا و راکد نمانده و با اصل قرار دادن پویایی و اجتهاد در این عرصه، به نوآوری‌های سودمندی نائل آمده است.

۱. امداد در لغت و اصطلاح

«امداد» مصدر باب افعال از ریشه «مدّ» می‌باشد که در اصل به معنی کشیدن (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۲۷۲/۹) و فزونی بخشیدن است (زمخشری، ۱۴۱۷: ۲۳۲/۳) با این حال، امداد عمدتاً به معنی یاری رسانی، انتصار و کمک کردن به کار می‌رود (ابن اثیر، بی‌تا: ۳۰۸/۴) به نظر می‌رسد این کاربرد معنایی برگرفته از معنای لغوی آن باشد، زیرا شخصی که دیگری را یاری می‌رساند، در واقع بر توانایی و قدرت او می‌افزاید. برخی نیز تأکید داشته‌اند که امداد از ریشه «امدّ» است، نه «مدّ» و سپس میان «مدّ» و «امدّ» چنین تفاوت قائل شده‌اند که مدّ بدون الف، یاری رساندن در راه شر است ولی امدّ، کمک کردن در مسیر خیر و صواب (شیبانی، ۱۴۱۳: ۹۸/۱). هرچند این دیدگاه از سوی اهل فن مورد مناقشه قرار گرفته است (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۹۱/۱) اما بر فرض پذیرش آن نیز هیچ خدشه‌ای بر این مطلب که امداد به معنی یاری رساندن است وارد نخواهد آمد.

بر پایه مفهومی که از واژه امداد ارائه شد روشن می‌شود که مراد از این اصطلاح در ضمن سنت امداد، عبارت است از یاری رساندن خداوند به بندگان خویش در راستای رسیدن به اهداف، آرمان‌ها و مقاصدشان؛ خواه این اهداف و مقاصد، مادی باشند و خواه معنوی؛ خواه خیر باشند و خواه شر. گفتنی است که امدادهای الهی با چنین گستره معنایی، برآمده از دو وصف رحمان و رحیم حق تعالی هستند. توضیح آنکه هرچند رحمانیت و رحیمیت، هر دو نمودهای رحمت خداوند می‌باشند اما «رحمت رحمانی، رحمت عمومی خداوند است که شامل همه بندگان خوب و بد، بلکه همه موجودات می‌شود؛ بر خلاف رحمت رحیمی که مراد از آن الطاف و دستگیری‌های خاص خداوند در حق مکلفینی است که در اثر حسن انجام وظیفه مستحق رحمت شده‌اند» (مطهری، ۱۳۸۶: ۳/۳۴۵). بنابراین چنانکه وصف رحیمیت خداوند مقتضی امداد و نصرت نیکان و اهل ایمان است، وصف رحمانیت نیز یاری رساندن به کافران و بدکاران را اقتضاء دارد. از اینجا روشن می‌شود که سنت امداد هرچند مفید امداد اهل باطل باشد، در زمره سنت‌های رحمت‌مدار است؛ چه اینکه این سنت همواره از رحمت پروردگار سرچشمه می‌گیرد، حتی آن زمانی که موضوع جریان آن کفار و منافقین باشد. بر این پایه، اگر در یک تقسیم‌بندی کلی، قرار باشد سنن الهی را به «سنت‌های رحمت‌مدار» و «سنت‌های عذاب‌مدار» تقسیم نماییم، بایستی سنت امداد را همراه با سننی همچون سنت هدایت یا سنت خلق، به عنوان مصداقی از سنن رحمت‌مدار مورد بررسی قرار دهیم و نه اینکه همراه با سنت‌هایی همچون سنت اضلال، به عنوان مصداقی از سنن عذاب‌مدار به حسابش آوریم.

۲. کنشی یا واکنشی بودن سنت امداد

مراد ما از سنت‌های کنشی آن دسته سننی است که جریانشان منوط به فعل انسان‌ها نیست و خداوند ما بیزای کردار و کنش مکلفین آن‌ها را جریان نمی‌دهد؛ بر خلاف سنن واکنشی که این چگونگی در خصوص آنان صادق است. با حفظ این مطلب، در خصوص سنت امداد باید گفت، این سنت اگر در حق اهل ایمان و پاکان جاری شود بی‌تردید سنتی واکنشی خواهد بود؛ زیرا در حق مکلفینی جریان می‌یابد که در اثر حسن انجام

وظیفه مستحق رحمت شده‌اند. بنابراین برای جریان آن، همواره بایستی اعمالی از سوی بندگان انجام گیرد و آنان حسن شخصیت خود را به ظهور برسانند تا مشمول رحمت رحیمیه الهی گردند. اما آنچه محل تأمل است جریان سنت امداد در خصوص اهل باطل و ناپاکان و بدان است. زیرا از سویی جریان این سنت تجلی صفت رحمانیت الهی است که همگان را بدون در نظر گرفتن کفر و ایمان شامل می‌شود و از سوی دیگر غالباً امداد الهی زمانی محقق می‌شود که شخص در راه رسیدن به خواسته خویش تصمیم جازم گرفته و اقدامی نموده باشد. لذا به نظر می‌رسد هرچند از جهتی بتوان سنت امداد را سنتی کنشی دانست، اما به هر روی جوهره اصلی و غالبی آن اقتضاء دارد آن را در زمره سنت‌های واکنشی به شمار آوریم. مضافاً اینکه، این سنت الهی آنگاه که در مورد اشخاص گنهکار و بدکار جریان می‌یابد هم می‌تواند به نوعی واکنش باشد در قبال بدی‌هایشان در راستای اضلال هرچه بیش‌تر آنان. اگر چنین باشد، سنت اضلال در خصوص اینگونه افراد از مقدمات جریان سنت «اضلال» بوده و بی‌تردید سنتی واکنشی به شمار خواهد آمد.

۳. انواع امداد الهی

امدادهای الهی دارای گونه‌های مختلفی‌اند که به اعتبارات مختلف قابل تقسیم‌بندی هستند. این گونه‌ها به اعتبار ملاک و معیار تقسیم‌بندی متفاوت، به شرح ذیل می‌باشند:

۳.۱. از حیث چگونگی جریان

اگر مناط تقسیم امدادهای الهی، چگونگی جریان آن‌ها در نظر گرفته شود، به دو دسته کنشی و واکنشی قابل تقسیم هستند.

الف. واکنشی

سنت امداد اساساً یک سنت واکنشی به حساب می‌آید زیرا مجرای آن عمدتاً پس از جریان سنت هدایت و فرقه فرقه شدن مردمان در برخورد با تعالیم پیغمبران است. گروهی که حق را گردن نهاده‌اند، مشمول رحمت و نصرت الهی قرار می‌گیرند و مدد‌های بیشمار حضرت حق آنان را در بر می‌گیرد و از یاری‌های پروردگار بهره‌مند خواهند شد. از این رو قرآن با اشاره به این مهم می‌فرماید:

﴿... مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ...﴾

«و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد، روزی می‌دهد. و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند» (طلاق/۳-۲)

در این آیه شریفه، به اصطلاح «جعل مخرج» یعنی قرار دادن راه نجات و نیز رزق بی‌احتساب، به عنوان امدادهایی قلمداد شده‌اند که مؤمنین و اهل تقوا و پرهیزکاری را شامل می‌شوند؛ این مددها در واقع واکنشی هستند از سوی خداوند به کنش مثبت بندگانش که در میان همه راه‌ها و بیراهه‌ها، ایمان به روز قیامت و تقوای الهی را برگزیده‌اند.

در آیه‌ای دیگر خداوند به صراحت، دفاع از اهل ایمان را به عنوان واکنشی تردیدناپذیر از سوی خود نسبت به آنان بیان می‌دارد و مشخص می‌کند هر آن کس که به ندای حق‌پرستی و خداواری و ایمان، لبیک گوید مشمول امداد الهی در قالب دفاع و محافظت می‌گردد:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَهُورٍ﴾

«خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد!» (حج/۳۸)

واژه «یدافع» اگر متعدی بنفسه باشد مفید معنای دفع نمودن، دور کردن و برکنار ساختن است، اما آنگاه که همچون آیه فوق، با حرف جر متعدی گردد، به معنی دفاع نمودن و حمایت کردن است (داورپناه، ۱۳۷۵: ۲۳۳/۷). بر این اساس و با عنایت به معنای این آیه شریفه، خداوند از مؤمنین دفاع می‌کند و آنان را در مقابل بداندیشان و همین‌طور تهاجم دشمنان کفار و غدار حمایت می‌کند. این حمایت گاه از مجرای فراهم ساختن فرصت جهت مهیا شدن برای دفاع و در نتیجه پیروزی اعمال می‌شود و گاه در قالب تقویت روحیه و محکم نمودن دل و جان رزمندگان مؤمن (فضل الله، ۱۴۱۹: ۷۲/۱۶). به هر روی نوع این دفاع و حمایت، به فراخور زمان‌ها و مکان‌ها متفاوت خواهد

بود، لکن جوهره اصلی آن که لطفی از جانب ذات مقدس باری تعالی است، که به علت استحقاق بندگانش جاری شده، همیشه ملحوظ و محفوظ است.

ب. کنشی

چنانکه گفتیم جوهره اصلی سنت امداد، واکنشی بودن را اقتضاء دارد، اما به هر روی اگر با عنایت به صفت رحمانیت خداوند به آن بنگریم، می‌توان جریان سنت امداد را به گونه‌ای کنشی در نظر آورد. بدین شکل که این سنت فارغ از کفر و ایمان افرادی که موضوع آن هستند جاری گردد و بدون اینکه منوط به کنش کفرآلود یا ایمان‌مدارانه آن‌ها باشد تحقق می‌یابد. بر این پایه، اشخاصی که به واسطه امدادهای الهی، مدد می‌گردند لزوماً آنانی نیستند که کنشی در راه حق و حقیقت انجام داده‌اند و مستحق یاری خداوند شده‌اند بلکه همه افرادی هستند که در مسیری چه صواب و چه ناصواب، قدم برداشته‌اند. لذاست که خداوند در سوره اسراء، امدادسانی به حق جویان و باطل‌پرستان را هر دو با هم بیان نموده و فرموده است:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا كَلَّا نُمِدُّهُمُؤَلَاءً وَهُؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾

«آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که خواهیم - و به هر کس اراده کنیم - می‌دهیم سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می‌سوزد در حالی که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند - در حالی که ایمان داشته باشد - سعی و تلاش او (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد. هر یک از این دو گروه را از عطای پروردگارت، بهره و کمک می‌دهیم و عطای پروردگارت هرگز (از کسی) منع نشده است» (اسراء/ ۲۰-۱۸)

امداد الهی در این آیه از نمودهای عطای الهی دانسته شده و چون بخشش و فضل و رحمت رحمانیه خداوند بی‌انتهاست، لذا طبیعی است که به گروه خاصی منحصر نگردد و

از همین رو هم گروهی که دغدغه دنیا دارند، مشمول آن قلمداد شده‌اند و هم آنانی که دغدغه آخرت دارند.

۳.۲. از حیث گستره و شمول

هرگاه فراگیری و شمول امدادهای الهی به عنوان معیار تقسیم آن‌ها در نظر گرفته شود، امدادهای عام و امدادهای خاص نتیجه گرفته می‌شوند.

الف. عام

گاه شعاع شمول امدادهای خداوند چنان وسیع و پر دامنه است که تمامی بندگان خویش را در بر می‌گیرد، در چنین صورتی این امدادها را مدددهای عام خداوند می‌خوانند؛ زیرا دارای عمومیت و گستره عامی هستند که به گروه، صنف، دسته و افراد خاصی محدود و منحصر نشده‌اند. عام بودن این امدادها، در حقیقت، حاصل کنشی بودن آن‌هاست. چه اینکه وقتی یاری‌رسانی خداوند منوط به کنش بندگان نباشد بلکه از صفت رحمانیت او سرچشمه گیرد، بالتبع، همه بندگان و مردمان را شامل می‌شوند. لذا اینکه خداوند فرمود:

﴿كَلَّا نُمَدِّهُمُوْلَاءَ وَهُوْلَاءَ﴾

«ما هم دنیاخواهان را یاری می‌کنیم و هم آخرت‌جویان را»

خود بیانگر سعه و عمومیت امداد الهی می‌باشد.

ب. خاص

امدادهای خاص به آن دسته از مدددهای الهی گفته می‌شود که به گروه یا دسته خاصی از بندگان خداوند اختصاص دارند. اختصاص این امدادها به افراد و گروه‌های خاص، مقتضی ضیق شدن سعه و گستره آن‌ها می‌باشد و از همین رو آنان را خاص خوانده‌اند. امدادهای خاص نیز در حقیقت نتیجه و برآیند واکنشی بودن آن‌ها می‌باشد، زیرا وقتی قرار باشد مدددهای الهی بر اساس استحقاق افراد نازل گردند، طبیعی است که شمول و گستره آن‌ها محدودتر می‌گردد زیرا کنش‌هایی که مستلزم امداد هستند، از همه افراد صادر نمی‌شوند. بنابراین تمامی امدادهایی که به اهل ایمان اختصاص دارند، امدادهای خاص به شمار می‌آیند. مضافاً اینکه حتی یاری‌های که خداوند در حق برگزیدگان درگاه

خود همچون پیغمبران روا می‌دارد نیز امداد خاص به حساب می‌آیند؛ چنانکه در داستان هجرت پیغمبر اکرم(ص) از مکه به مدینه، حضرت(ص) را با مددهای مختلفی یاری رسانید تا از دست شروران قریش گزندی به جسم و جان مبارکشان وارد نگردد تا در سال‌های بعد، در میان مردمان مدینه، آن انقلاب بزرگ جهانی را رقم زند. قرآن کریم از آن امدادها اینگونه یاد می‌کند:

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَلَاثِينَ إِذْ هَمَّ بِفِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

«اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد(و در مشکل‌ترین ساعات، او را تنها نگذاشت) آن هنگام که کافران او را(از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود(و یک نفر بیش‌تر همراه نداشت) در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می‌گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه(و آرامش) خود را بر او فرستاد و با لشکرهایی که مشاهده نمی‌کردید، او را تقویت نمود و گفتار(و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آن‌ها را با شکست مواجه ساخت) و سخن خدا(و آیین او)، بالا(و پیروز) است و خداوند عزیز و حکیم است»(توبه/۴۰)

در این آیه سه مورد از امدادهای الهی در حق پیغمبر اکرم(ص) مورد اشاره قرار گرفته است؛ نخست نصرت الهی؛ دو دیگر نزول سکینه و سه‌دیگر تقویت به واسطه لشکریان نهان. این مددهای گوناگون همگی در داستان هجرت در کنار هم موجب گشتند که نقشه قریش برای قتل حضرت رسول(ص) نافرجام گردد و آنان از دستیابی به حضرتش، ناکام مانند. نکته شگفت‌آور این است که برخی از مفسرین عامه، از فرط تعصب و تصلب بر مسائل فرقه‌ای، ضمائر موجود در دو واژه «علیه» و «آیده» را به مصاحب پیامبر(ص) در غار، که خلیفه اول/بویکر می‌باشد برگردانده‌اند و در نتیجه، این امدادهای خاص و ویژه را مخصوص او دانسته‌اند(رشیدرضا، بی تا: ۴۲۹/۱۰). به نقل از موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۳۷۷/۹. این سخن به سه دلیل مختلف مردود است و به همین سه دلیل روشن می‌شود که نزول سکینه و تقویت به واسطه جنود ناپیدا، در خصوص

پیغمبر(ص) می‌باشد نه هر کس دیگری!!! علامه طباطبایی این سه دلیل را اینگونه بیان می‌دارد:

«اول به خاطر اینکه همه ضمیرهایی که قبل و بعد از این ضمیر هست یعنی ضمیرهای "إِلَّا تَنْصُرُوهُ"، "نصره"، "اخرجه" و "لصاحبه" همه به آن جناب برمی‌گردد، و با این حال و با اینکه قرینه قطعیه‌ای در کار نیست معنا ندارد که در میان همه این ضمائر تنها ضمیر "علیه" و "ایده" را به/بویکر برگردانیم. دوم اینکه، اصل بنای کلام بر اساس تشریح و بیان نصرت و تأییدی است که خدای تعالی نسبت به پیغمبر گرامی‌اش نموده، و از اینجا شروع شده که اگر شما او را یاری نکنید، خداوند در روزی که احدی نبود تا بتواند یاری‌اش کند او را یاری فرمود، و سکینت بر او نازل کرد، و به وسیله جنودی از نصر کمک نموده، از کید دشمنان حفظ فرمود، و همه این‌ها مختص به رسول خدا(ص) بوده. سوم اینکه، آیه شریفه همچنان در یک سیاق ادامه دارد، تا آنجا که می‌فرماید:

﴿وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾

و جای تردید نیست که این جمله بیان جملات قبل، و مقصود از "کلمه کسانی که کافر شدند" همان رأیی است که مشرکین مکه در دار الندوة دادند، که دسته جمعی آن جناب را به قتل رسانیده، نورش را خاموش کنند. و مقصود از "کلمه خدا" وعده نصرت و اتمام نوری است که به وی داده. و با این حال چطور ممکن است میان بیان و مبین جمله‌ای آورده شود که بیان مبین نباشد، یعنی بیان راجع به نصرتی باشد که خدای تعالی از آن جناب کرده، و مبین راجع باشد به نصرت غیر او»(همان: ۳۷۶/۹-۳۷۵).

۳.۳. از حیث جنس و ماهیت

امدادهایی که خداوند در حق بندگان خویش عنایت می‌فرماید، از این حیث که ماهیت آن‌ها چگونه است بر دو گونه مادی و معنوی هستند.

الف. مادی

امدادهای مادی آن دسته از مددهای الهی را شامل می‌شوند که جنس آنان را ماده تشکیل می‌دهد و دارای صورت و ظاهر خاصی می‌باشند؛ به عنوان نمونه وفق آیه ۲۴۷

سوره بقره، آنجا که خداوند حضرت طالوت را با بساطت در جسم تأیید می‌نماید و بدین وسیله برای رسیدن به پادشاهی، یاری‌اش می‌رساند، این خود نمونه‌ای از امداد مادی به شمار می‌رود:

﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

گفت: خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و (قدرت) جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و (از لیاقت افراد برای منصب‌ها) آگاه است»

ب. معنوی

ناگفته پیداست که امدادهای معنوی به مجموعه مددهایی اطلاق می‌شود که دارای صورت و ظاهر مادی نیستند و جنس ماوراء مادی دارند. اینگونه امدادها که تعداد بیش‌تری از امدادهای الهی را شامل می‌شوند، نسبت به اشخاص و گروه‌های بسیاری در طول تاریخ جاری گشته‌اند. نزول سکینه و تقویت به لشکریان ناپیدا که در آیات پیشین مورد اشاره قرار گرفتند، از امدادهای معنوی الهی به شمار می‌روند. همچنین اعطای «شرح صدر» به پیامبر(ص) و «وضع وزر» از دوش آن جناب، از جمله امدادهای معنوی دیگری به شمار می‌روند که در آیات زیر مورد اشاره قرار گرفته‌اند:

﴿الْمُتَشْرِحُ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ﴾

«آیا ما سینه تو را گشاده نساختیم و بار سنگین تو را از تو برداشتیم»
(انشراح / ۱-۲)

در این آیات، دو نمونه از تأییدات الهی در حق پیغمبر(ص) مورد توجه قرار گرفته است که ذکر آنان نشانگر این مهم است که بدون آن‌ها حضرت رسول(ص) نمی‌توانستند از عهده انجام مسئولیت سنگینی که به عنوان خاتم پیامبران بر دوش داشتند برآیند. این دو تأیید و در واقع عطای الهی و مدد رحمانی، عبارت‌اند از «عنایت نمودن گشادگی سینه و دریادلی در راستای تبلیغ اسلام و تحمل سختی‌های رسالت و نبوت» (فیض کاشانی، ۱۴۲۳: ۷/۴۶۰-۴۵۹) و نیز کاهیدن سنگینی بار تعلیم آموزه‌های دینی و «سبک کردن رنج‌های پیامبری، تا به راحتی بر این کار مهم قیام کند و حقوق و لوازم

رسالت را مراعات نماید» (رهنما، ۱۳۴۶: ۵۶۹/۴). چنانکه مشهود است این دو عطای الهی جنبه معنوی دارند که بایستی به عنوان امداد معنوی خداوند در حق پیامبر دردانه‌اش قلمداد شوند.

۳.۴. از حیث ظهور و بروز

اگر میزان بروز و نیز چگونگی ظهور امدادهای الهی را به عنوان ملاک تقسیم آن‌ها در نظر بگیریم، این امدادها بر دو گونه غیبی و ظاهری تقسیم می‌شوند.

الف. غیبی

مراد از غیب «هر چیزی است که از دیدگان پنهان باشد» (بغدادی، ۱۴۱۵: ۲۵/۱) لذا امدادهایی که از سوی خداوند بر بندگانش نازل می‌گردد و جنبه نهانی و غیرقابل رؤیت داشته باشند، امدادهای غیبی به شمار می‌روند. موارد فراوانی از این امدادها در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. یکی از آنان، تقویت حضرت رسول (ص) به واسطه لشکریان پنهان بود که در سوره توبه بیان شد. همچنین تقویت و یاری حضرت عیسی (ع) به وسیله روح القدس نیز از مصادیق امدادسانی به وسیله مددهای غیبی به شمار می‌رود. در آیه ذیل خداوند ضمن اشاره به این مدد غیبی می‌فرماید:

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا...﴾

«(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن نعمتی که به تو و مادرت بخشیدم! زمانی که تو را با روح القدس تقویت کردم که در گاهواره و به هنگام بزرگی، با مردم سخن می‌گفتی» (مائده/ ۱۱۰)

مراد از روح القدس، جبرئیل است که خداوند با فرو فرستادن او، حضرت عیسی (ع) را هم در دوران کودکی و نوزادی تقویت کرد و هم در دوران بزرگسالی؛ تقویت و تأییدی که موجب شد حضرت (ع) همان‌گونه که در گاهواره خود را اینگونه معرفی کند:

﴿إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾ (مریم/ ۳۰)

در بزرگسالی، آن هنگام که حدوداً سی و سه ساله بود نیز همان سخنان دوران کودکی خویش را تکرار نماید (نووی، ۱۴۱۷: ۱/۱/۳۰) و بر عبد بودن خود تأکید ورزد.

پرواضح است که روح القدس و تقویت به وسیله او، از موارد و مصادیق بارز غیب می باشد؛ چراکه جبرائیل از جمله ملائکه است و ملائک همگی موجوداتی غیبی هستند. علاوه بر این موارد، نصرت خداوند در جنگ بدر که در قالب نزول سه هزار ملک در حق لشکریان اسلام جاری شد از نمودهای برجسته و مشهور امدادهای غیبی خداوند به شمار می‌رود. قرآن از این امداد الهی اینگونه یاد می‌کند:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾

«خداوند شما را در بدر یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت) در حالی که شما (نسبت به آنها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را به جا آورده باشید! در آن هنگام که تو به مؤمنان می‌گفتی: آیا کافی نیست که پروردگارتان، شما را به سه هزار نفر از فرشتگان، که از آسمان فرود می‌آیند، یاری کند؟!» (آل عمران/۱۲۴-۱۲۳)

شایان ذکر است، برخی از مفسرین، عبارت «ایده بجنود لم تروها» در سوره توبه را نیز ناظر به امداد غیبی لشکریان اسلام در جنگ بدر دانسته‌اند (شیبانی، ۱۴۱۳: ۳۳/۳). اگر چنین باشد، این آیات، همان تقویت و تأیید مصرح در سوره توبه را بیان می‌دارند با این تفاوت که در اینجا به تعداد ملائکه و برخی وقایع رخ داده در آن هنگامه حساس اشاره شده است. با این وجود، بسیاری نیز آیات سوره توبه را مربوط به جنگ‌های دیگر مسلمانان چون غزوه تبوک دانسته‌اند (حقی بروسوی، بی تا: ۴۳۰/۳).

ب. ظاهری

امدادهای ظاهری در مقابل امدادهای غیبی قرار دارند. این امدادها عبارت‌اند از مجموعه کمک‌ها و مددهای قابل رؤیتی که تجلی ظاهری و بیرونی دارند و خداوند در حق بندگان و مخلوقات خویش روا می‌دارد. بر این پایه مرز میان غیب و ظاهری بودن امداها، همانا قابلیت دیده شدن، تبلور خارجی و بروز و ظهور بیرونی آنهاست. لذاست که می‌توان کمک‌ها و مددهایی که خداوند در قالب اعطای مال و فرزند در حق بندگان جاری عینیت می‌دارد را از موارد مددهای ظاهری دانست. در سوره نوح، پس از سفارش

به استغفار و طلب بخشش نمودن از درگاه حق تعالی بیان شده است که اگر چنین کنید، خداوند هم برکات آسمانی خویش را بر شما فرو خواهد فرستاد و هم با اموال و فرزندان شما را یاری خواهد رسانید:

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْبَارِ﴾

«به آن‌ها گفتم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است، تا باران‌های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد!» (نوح/۱۲-۱۰)

در این آیات که از لسان مبارک حضرت نوح(ع) خطاب به قوم خویش می‌باشند، اموال و فرزندان، نمونه‌هایی از امدادهای الهی خوانده شده‌اند که حضرت نوح(ع) وعده داده اگر منکرین رسالتش توبه و استغفار نمایند، خداوند آن‌ها را به ایشان عنایت خواهد فرمود. اما افسوس و صد افسوس، دل‌هایی که از فرط کفر و عناد و لجاجت، همچون سنگ خارا شده‌اند، توفیق توبه نخواهند یافت و از همین رو خود را در مسیر رایحه روح‌افزای رحمت الهی قرار نمی‌دهند.

۴. باور به سنت امداد و نتایج آن

قوی‌ترین محرک انسان در جهت اقدام و عمل، امید و رجایی است که او برای رسیدن به مقصودش در دل می‌پروراند؛ امیدی که آینده را علی‌رغم وجود تمام مشکلات و سختی‌ها، روشن نشان دهد و اقدامات و حرکات بزرگ را با تمام مشقت‌هایی که دارند، ممکن، دست‌یافتنی و گاه شیرین و لذتبخش سازد. آنگاه که در تاریک‌ترین لحظات سرنوشت‌ساز زندگی، نور امید دمیدن گیرد و فرا روی شخص را روشن جلوه دهد، هیچ مانعی نمی‌تواند او را از تکاپوی خویش بازدارد، لذا جهد و تلاش می‌کند تا به هدف خویش نائل آید. این امید حتی اگر کاذب هم باشد محرک است؛ لکن محرکی مخدّر که آدمی را تخدیر می‌کند و سراب را آب می‌نمایاند. بر این پایه، علی‌رغم ضرورت وجود امید و رجاء، بایستی واقعی و حقیقی باشد تا آدمی را به جلو سوق دهد، نه اینکه او را

جاهلانه به آنچه که نیست، دل خوش نماید. اگر سنت امداد را از این دریچه بنگریم، آنچه نتیجه می‌شود این است که این سنت الهی، می‌تواند نویدبخش حقیقی‌ترین امیدهایی باشد که از سویی واقعی و صادق‌اند و از سوی دیگر، وامدار آسمان و متکی به خدا؛ خدایی که توانایی و قدرتی نامحدود دارد و به هر آنچه اراده‌اش تعلق گیرد قادر است. بنابراین باور به سنت امداد، می‌تواند عاملی باشد تا شخص خود را همواره متکی به نیرویی عظیم بداند که در حساس‌ترین و سخت‌ترین لحظات می‌تواند دستش را بگیرد و یاری‌اش رساند. این باور، هم شجاعت و جسارت لازم برای کارهای بزرگ را به ارمغان دارد و هم شادابی و نشاط وصف ناشدنی در انجام وظایف الهی را. مضافاً اینکه یأس و ناامیدی، خودکم‌بینی و زبونی و نیز ترس و فرار از مسئولیت را به شدت دفع می‌کند و به جای آن امید و شجاعت و توکل و اعتماد به نفس می‌نشانند.

ناگفته پیداست کسی باید این‌گونه چشم‌یاری داشته باشد، که نه کاهلی کرده و نه از تلاش دست کشیده است و مهم‌تر اینکه تقوای الهی را سرلوحه کار خویش قرار داده و در این مسیر از صبر و تحمل به ستوه نیامده باشد:

﴿بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا... يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ﴾

«آری! اگر استقامت و تقوا پیشه کنید، خداوند شما را مدد خواهد داد» (آل

عمران / ۱۲۵)

۵. سنت امداد و مهدویت

چنانکه گفتیم باور به سنت امداد، محرکی بزرگ در راستای عمل به مسئولیت‌ها و نویدبخش امید و رجایی واقعی است. نقش حیاتی امید حاصل از اعتقاد به جریان سنت امداد، آنگاه بیش‌تر هویدا می‌گردد که نگرش مادی به فرجام جهان و نگرش ایمان‌مدارانه نسبت به آن، با یکدیگر مقایسه شوند، زیرا آنانی که دنیا را با دیدی مادی می‌نگرند، با عنایت به تهدیداتی که بشر برای زندگی خود فراهم آورده، پایانی تیره و تار برای آن انتظار می‌کشند. آنان جهان را در انتظار یک انفجار بزرگ تلقی می‌کنند؛ انفجاری که نتیجه‌اش نابودی بشر به دست خویشان است. این بدبینی به آتیه بشر، در گفته‌ها و نوشته‌های اندیشمندان غربی نیز راه یافته است. یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های علمی

اروپا در این خصوص می‌نویسد: «به طرف جنگی پیش می‌رویم که تقریباً هیچ کس خواهان آن نیست؛ جنگی که همه می‌دانیم قسمت اعظم نوع بشر را به دیار نیستی خواهد فرستاد و با وجود این مانند خرگوشی که در برابر مار افسون شده باشد، خیره خیره به خطر نگاه می‌کنیم، بدون آنکه بدانیم برای جلوگیری از آن چه باید کرد؟ در همه جا داستان‌های مخوف از بمب‌های اتمی و هیدروژنی و شهرهای با خاک یکسان شده و خیل قشون روس و قحطی و سبعت و درنده‌خویی برای یکدیگر نقل می‌کنیم، ولی با اینکه عقل حکم می‌کند که از مشاهده چنین دورنمایی بر خود بلرزیم، برای جلوگیری از بدبختی تصمیم قاطعی نمی‌گیریم» (راسل، امیدهای نو: ۲؛ به نقل از مطهری، ۱۳۸۶، ج ۳: ۳۶۰-۳۵۹).

او در ادامه علت عمده ترس خود که همانا نابودی بشر به دست خویش است را با استناد به باور/ینشتاین فیزیکدان بزرگ جهان نقل می‌کند: «اشخاصی هستند و از آن جمله/ینشتاین که به زعم آن‌ها بسیار محتمل است که انسان دوره حیات خود را طی کرده باشد و ظرف سنین معدودی موفق شود با مهارت علمی شگرف خود، خویشتن را نابود کند» (همان: ۳/۳۶۰).

با این همه، این آشفتگی و ناامیدی و بدبینی نسبت به آتیه بشر و نیز سیاه دانستن عاقبت جهان، در اندیشه دینی و الهی راه ندارد، زیرا بنا بر اعتقاد خداپاوران و اهل ایمان، «ممکن نیست جهان به دست چند نفر دیوانه ویران شود. درست است که جهان بر سر پیچ خطر قرار گرفته است، ولی خداوند همان‌طور که در گذشته - البته در مقیاس کوچک‌تری - این معجزه را نشان داده، بر سر پیچ‌های خطر، بشر را یاری کرده و از آستین غیب، مصلح و منجی خواهد رسانید» (همان: ۳/۳۶۱) لذا اعتقاد به سنت امداد و بالتبع، باور به منجی آخر الزمان تنها عاملی است که می‌تواند آدمی را نسبت به آینده بشر دلگرم کند و غبار بدبینی و اضطراب را از دل و جان او بزداید؛ وگرنه اگر ما باشیم و حساب و کتاب‌های مادی، قضاوت و پیش‌بینی که اندیشمندان غربی داشته‌اند، موجه و قابل پذیرش است؛ لکن مسأله این است که «جهان را صاحبی باشد خدا نام» که اراده‌اش بر تمام اسباب و مسببات و همه اراده‌ها چیره و غالب است. بر این اساس، آنان که در انتظار منجی و مصلح جهانی هستند، خود را سربازانی می‌دانند که هر آن ممکن

است فرمانده‌شان سر رسد و آنان را به مبارزه و اصلاح فراخواند؛ لذا همواره برای آماده‌شدن در راستای هم‌سنگری با فرمانده خویش، در تلاش و تکاپویند و در پی صلاح و اصلاح، جانفشانی‌ها می‌کنند و در عین حال از جاده حق منحرف نمی‌شوند. آنان می‌دانند که آینده، روشن است و حق پیروز و باطل فناپذیر می‌باشد؛ از همین رو از تحولات و نوسانات تاریخ ناامید نمی‌شوند و همواره بر آنند تا در گروه حق و «حزب الله» باشند و با باطل پرستان و «حزب الشیطان» یکسره در ستیز باشند. اما در مقابل آن کسانی که نه به منجی و مصلحی معتقدند و نه سنت امدادی را قابل جریان می‌دانند، به گفته *راسل* مانند خرگوشی که در برابر مار افسون شده باشد، خیره خیره به خطر نگاه می‌کند، بدون آنکه بدانند برای جلوگیری از آن چه باید کرد؟ شاید گزاف نباشد اگر اعتقاد به مهدویت را تأثیرگذارترین اندیشه‌ای بدانیم که برآمده از اعتقاد به سنت امداد است. چه بسا به همین علت است که قرآن، ظهور منجی و حکومت مستضعفین بر زمین را یک «منت» الهی می‌خواند که از جانب خداوند در حق آنان جاری خواهد شد:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿۵﴾
وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ ﴿۶﴾

«ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم» (قصص / ۶-۵)

خداوند در این آیه، «مستضعفین» یعنی آنانی که به سخت‌ترین شکل ممکن مورد ستم واقع شده‌اند و به استعمار و بردگی کشیده شده‌اند (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲۶۷۸/۵) را نوید امامت و پیشوایی و آقایی می‌دهد و بدین گونه آن کسانی که بر اساس حساب‌های مادی نباید امید زنده ماندن را هم در دل بپروراند را بشارت سروری می‌دهد و به آینده دلگرم می‌سازد. آری! حکومت بندگان خوب خدا بر زمین، پیروزی حق و حقیقت و نیز نابودی کفر و باطل و ظلم، خود یکی از سنت‌های تبدیل‌ناپذیر الهی است که در قالب سنت امداد الهی، جریان خواهد یافت و در آن تردیدی نیست؛ چراکه این وعده خداوند به تمام انبیاء بوده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿۱۰۵﴾

«در زبور بعد از ذکر(تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث(حکومت)

زمین خواهند شد!»(انبیاء/۱۰۵)

لذا این باور ماست که زندگانی بشر در دنیا، پایانی سبز و شیرین دارد؛ سبز و باطراوت به میمنت قدوم انسان کاملی چون حضرت مهدی(عج) که روزی جهان را پر از عدل و داد می‌کند و اثری از جور و بیداد بر پهنه هستی باقی نخواهد گذاشت. این صلاهی رسای خاتم پیامبران(ص) است که بشارت مردی از خاندان خویش را به جهانیان اعلام می‌کند که روزی جهان را گلستان خواهد کرد:

«لَوْلَمْ يِق من الدنیا الا یوم لَطَوَّله الله حَتَّى یبعث فیہ رجل من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی

واسمائیہ اسمرائی یملا الأرض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً»

«اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خدا آن روز را طولانی کند تا در اثنای آن مردی از خاندان مرا برانگیزد؛ نام وی موافق نام من و نام پدرش، نام پدر من باشد و زمین را که از ظلم و جور پر شده است از انصاف و عدالت پر کند»(پاینده، ۱۳۸۲: ۶۵۱)

۶. سنت‌های هم‌عرض سنت امداد

برخی از نویسندگان، در کنار سنت امداد از سنت‌های دیگری نام برده‌اند(مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۴۰-۴۳۷) که به نظر می‌رسد، نتوان آن‌ها را سنی مجزای از سنت امداد تلقی نمود. حقیقت این است که این سنت‌ها شعبات، شاخه‌ها و مصادیق سنت امداد هستند که ما در اینجا از آن‌ها به عنوان سنت‌های هم‌عرض سنت امداد یاد کرده‌ایم.

۶.۱. سنت پیروزی بر دشمنان

یکی از سنت‌های الهی که در حق اهل ایمان جاری می‌شود، پیروزی آنان بر دشمنانشان می‌باشد. این پیروزی ممکن است به دو معنا باشد: یکی پیروزی حق بر باطل در میدان حجت و استدلال و برهان، و دیگری پیروزی اهل حق بر اهل باطل در صحنه جنگ و نبرد. هر دوی این معانی صحیح است(همان: ۴۳۹) و شواهدی در دست است بر اینکه در آیات شریفه هر دو معنا مراد است:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ۖ لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾

«ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند(از این رو شما را بر خلاف میل‌تان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیب‌تان شد) تا حق را تثبیت کند، و باطل را از میان بردارد، هر چند مجرمان کراهت داشته باشند»(انفال / ۸-۷)

در این آیه نابودی و ریشه‌کن شدن باطل و پیروزی حق به عنوان امری معرفی شده که اراده خداوند بدان تعلق گرفته است و یه صورت یک سنت تغییر و تبدیل ناپذیر قلمداد شده است. علاوه بر این، در برخی دیگر از آیات، خداوند صراحتاً مؤمنین را وعده برتری و پیروزی می‌دهد:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

«و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!»
(آل عمران / ۱۳۹)

این آیه که به گفته مفسرین و با توجه به آیه پس از آن، مربوط به جنگ احد است، در راستای بیان یک قاعده کلی می‌باشد که عبارت است از برتری و پیروزی همیشگی مؤمنان. این برتری خواه در میدان کارزار تحقق یابد و خواه در میدان احتجاج، به هر روی، پیروزی است؛ لذا مسلماً، پیروزی، همیشه از آن جبهه حق است. بر این پایه خداوند می‌فرماید: «لا تهنوا: سستی نکنید و ضعف مورزید در کارزار، و لا تحزنوا: و اندوهناک مباشید از جراحات خود و قتل برادران و مصیبت‌هایی که به شما رسیده و یا از فوت غنایم، و انتم الاعلون: زیرا شما برترید بحسب مکان و مرتبه؛ چه اینکه شما بر حق‌اید و کارزار شما برای تمشیت حق و اعلاى کلمه خدا است»(فیض کاشانی، ۱۳۳۶: ۲/۳۴۴).

۶.۲. سنت غلبه دین حق

یکی دیگر از سنت‌های الهی که در واقع مصداقی از جریان سنت امداد است، سنت غلبه دین حق است.

بر اساس این سنت الهی، اراده خداوند به این تعلق گرفته که دین حق یعنی اسلام را در زمین حاکم کند و بر دیگر نحله‌ها و مذاهب و ادیان، چیره سازد:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

«او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!» (صف / ۹)

طبق این آیه شریفه، دینی که پیامبر اکرم(ص) با هدایتی متضمن توحید و اخلاص آورده است، از آن رو که دین حقی است، بر تمامی ادیان اعم از یهودیت و مسیحیت و... و نیز همه نحله‌های فکری، غالب خواهد شد و این خود دال بر جلالت شأن اسلام و پیامبر خاتم(ص) می‌باشد. بر این پایه، سنت غلبه دین حق، دربردارنده این مفهوم است که خداوند با یاری و مدد خویش، دین اسلام را بر تمامی ایدئولوژی‌ها و مکاتب فکری و مذهبی، چیره خواهد ساخت و پیروز نهایی ادیان، اسلام است. حتمیت این چیرگی از آن روست که اراده خداوند به جریان چنین سنتی تعلق گرفته و لذا جهد و تلاش کافران، هر چقدر هم فراوان باشد کارگر نخواهد افتاد و به جایی نخواهد رسید:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾

«آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا نور خود را کامل می‌کند هر چند کافران خوش نداشته باشند!» (صف / ۸)

۶.۳. سنت عدم تسلط شیطان

یکی دیگر از الطاف و عنایاتی که خداوند به مؤمنین و بندگان مخلص خویش عنایت فرموده و در واقع از جمله امدادهایی غیبی است که حضرتش در حق آنان جاری می‌سازد، سنت عدم تسلط شیطان بر ایشان است. بندگان پاک و برگزیده‌ای که راه سعادت و کمال در پیش می‌گیرند و از دستورات پیامبران الهی تبعیت می‌کنند، آنگاه که استحقاق‌های خویش را به نمایش می‌گذارند، با نظر لطف خداوند، مشام جانشان به رایحه ایمان انس می‌گیرد و از آلودگی و گناه منزجر و گریزان می‌گردد:

﴿لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ

أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾

«ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده، و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است کسانی که دارای این صفات‌اند، هدایت یافتگان‌اند» (حجرات / ۷)

اینان رفته رفته از آنچه بدی و کژی است فاصله می‌گیرند و در جرگه بندگان خاص الهی وارد می‌شوند؛ بندگان خاصی که تنها خدا را ولی و صاحب و رب خویش می‌دانند و از این رو، هیچ کسی غیر از او یا منصوب از قبل او را به عنوان سرپرست خویش پذیرا نیستند. طبیعی است که شیطان به قلب چنین مؤمنانی نتواند رسوخ کند و بر آنان تسلط یابد. با این همه، هرچند شیطان را راهی به قلب و جان بندگان خدا نیست، اما آنان اگر با سوء اختیار خویش، دروازه‌های بوستان درون خویش را بر لشکریان شیطان بگشایند، طبیعی است که جنود شیطان، این بوستان و گلستان را به سنگلاخی پر از آتش و التهاب تبدیل خواهند کرد؛ در این صورت، شخص از مقام «عبودیت» و عبد بودن، به دره «غاوین» سقوط خواهد کرد و عاقبتش «جهنم» خواهد بود:

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾

«که بر بندگانم تسلط نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی می‌کنند. و دوزخ، میعادگاه همه آن‌هاست!» (حجر / ۴۳-۴۲)

بر این اساس، مؤمن تا خود راه تسلط شیطان را هموار نسازد، شیطان را سلطه‌ای بر او نیست؛ اما اگر از او استقبال کرد، طبیعی است که شیطان، قرین و همراه و دوست او خواهد شد. لذا این تنها معصومین (ع) هستند که به صورت مطلق، شیطان را راهی به سوی آنان نیست، یعنی همان مخلصانی که شیطان نیز از فریب آنان مأیوس است:

﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾

«شیطان گفت: پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمت‌های مادی را) در زمین در نظر آن‌ها زینت می‌دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلصت را» (حجر / ۴۰-۳۹)

نتیجه بحث

۱. سنت در لغت به معنی جریان الشیء و در اصطلاح علم تفسیر عبارت است از روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند. یکی از سنن زیبای الهی، سنت امداد است. بر مبنای این سنت الهی، خداوند بندگان خویش را در راه رسیدن به اهداف و آرمان‌هایشان، یاری می‌نماید. از این جهت، سنت امداد هم شامل مؤمنان می‌شود و هم شامل کافران؛ هم خوبان را در بر می‌گیرد و هم بدان را. اما با توجه به اینکه امداد الهی در هر صورت برآمده از رحمت اوست، باید این سنت الهی را سنتی رحمت‌مدار به شمار آورد نه سنتی ناشی از عذاب الهی.

۲. امدادهای الهی که در ضمن جریان سنت امداد نازل می‌گردند، به اعتبارات مختلف تقسیم می‌شوند. این مددها، اگر از حیث چگونگی جریانشان تقسیم شوند، بر دو نوع کنشی و واکنشی خواهند بود و اگر گستره شمول آن‌ها در نظر گرفته شود، به امدادهای عام و خاص تقسیم می‌شوند. مددهای الهی به اعتبار جنس و ماهیت به مادی و معنوی و به اعتبار ظهور و بروز به غیبی و ظاهری منقسم می‌گردند. در قرآن کریم، آیات مختلفی دال بر هر یک از این گونه‌ها وجود دارد.

۳. اعتقاد به سنت امداد، آثار تربیتی بسیار خوبی در پی دارد. باور به این سنت الهی از سویی شجاعت و جسارت لازم برای کارهای بزرگ را به ارمغان می‌آورد و شادابی و نشاط وصف ناشدنی در انجام وظایف الهی را به آدمی منتقل می‌سازد و از دیگر سوی، یأس و ناامیدی، خودکم‌بینی و زبونی و نیز ترس و فرار از مسئولیت را به شدت دفع می‌کند و به جای آن امید و توکل و اعتماد به نفس می‌نشاند. اعتقاد به مهدویت با تمامی فواید تربیتی‌اش، از مصادیق باور به سنت امداد محسوب می‌شود.

۴. با مراجعه به آیات قرآن، می‌توان سنن الهی را نام برد که از جهات مختلف با سنت امداد مشترک‌اند. سنت پیروزی بر دشمنان، سنت غلبه دین حق، سنت عدم تسلط شیطان از جمله این سنن الهی به شمار می‌آیند که می‌توان عنوان سنت‌های هم‌عرض سنت امداد بر آنان نهاد.

کتابنامه

کتاب عربی

قرآن کریم. ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.

نهج البلاغه. ترجمه جعفر شهیدی.

ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری. بی تا، **النهاية في غريب الحديث والأثر**، ج ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

ابن عاشور، محمد بن طاهر. بی تا، **التحریر والتنویر**، بی جا: بی نا.

ابن منظور، محمد بن مکارم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع: دار صادر.

احمد بن فارس زکریا، ابوالحسین. ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

امامی کاشانی، محمد. ۴۳۴ق، **بشارة الامان بموعد الاديان**، بی جا: بی نا.

بغدادی، علاء الدین علی بن محمد. ۱۴۱۵ق، **لباب التأویل فی معانی التنزیل**، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

جواد، علی. ۲۰۰۵م، **المهدی المنتظر عند الشيعة الاثني عشرية**، ترجمه ابوالعید دودو، الطبعة الاولى، النجف: المكتبة طريق المعرفة.

پاینده، ابوالقاسم. ۱۳۸۲ش، **نهج الفصاحة (مجموعه كلمات قصار حضرت رسول صلى الله عليه وآله)**، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش.

جوهری، اسماعیل بن حماد. ۱۴۱۰ق، **الصحاح - تاج اللغة وصحاح العربية**، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.

حقی بروسوی، اسماعیل. بی تا، **تفسیر روح البیان**، بیروت: دار الفکر.

حمیری، نشوان بن سعید. ۱۴۲۰ق، **شمس العلوم ودواء كلام العرب من الكلوم**، چاپ اول، بیروت: دار الفکر المعاصر.

داورپناه، ابوالفضل. ۱۳۷۵ش، **أنوار العرفان في تفسير القرآن**، چاپ اول، تهران: انتشارات صدر.

زمخشری، ابو القاسم محمود بن عمر. ۱۴۱۷ش، **الفائق في غريب الحديث**، چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه.

سید قطب، سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی. ۱۴۱۲ق، **في ظلال القرآن**، چاپ هفدهم، بیروت - قاهره: دار الشروق.

سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور في تفسير المأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

شیبانی، محمد بن حسن. ۱۴۱۳ق، نهج البيان عن كشف معاني القرآن، چاپ اول، تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی.

صاحب بن عباد کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد. ۱۴۱۴ق، المحيط فی اللغة، چاپ اول، بیروت: عالم الكتاب.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن. بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. ۱۴۲۰ق، مفاتيح الغیب، چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

فضل الله، سید محمد حسین. ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.

فیض کاشانی، ملا فتح الله. ۱۴۲۳ق، زبدة التفاسیر، چاپ اول، قم: بنیاد معارف اسلامی.
فیض کاشانی، ملا فتح الله. ۱۳۳۶ش، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.

مصطفوی، حسن. ۱۴۰۲ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: مرکز الكتاب للترجمة والنشر.

نووی جاوی، محمد بن عمر. ۱۴۱۷ق، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، چاپ اول، بیروت: دار الكتب العلمیه.

واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی. ۱۴۱۴ق، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.

کتاب فارسی

رهنما، زین العابدین. ۱۳۴۶ش، ترجمه و تفسیر رهنما، تهران: انتشارات کیهان.
مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۰ش، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: شرکت چاپ و نشر بین المللی سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، مرتضی. ۱۳۸۶ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الكتب الاسلامیه.
موسوی همدانی، سید محمد باقر. ۱۳۷۴ش، ترجمه المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامیة مدرسین حوزه علمیه قم.

سعیدی مهر، محمد. ۱۳۹۳ش، آموزش کلام اسلامی: خداشناسی، چاپ پانزدهم، قم: کتاب طه.

Bibliography

Arabic sources

- The Holy Quran, (Makarem Shirazi, Trans.)
Imam Ali ibn-Abi talib (A.S.). (1999). Nahj Al-Balaghah (J. Shahidi, Trans.), Tehran, Iran: Elmi VA Farhangi
Imam Ali ibn-Abi talib (A.S.). (1994). Nahj Al-Balaghah (Lal Sabah Salih), In Sharif al-Razi, Mohammed ibn Husain (Ed.), 1st Ed.) Qom, Iran: Hejrat
Ibn Athir, & Jazri, Mubarak ibn M. (Beethat) al-Nahi fi Gharib al-Hadith al-asar. Vol. 2(1), Qom, Iran: Ismailian press.
Ibn Athir, & Jazri, Mubarak ibn M. (Beethat) al-Nahi fi Gharib al-Hadith al-asar. Vol 4(1), Qom, Iran: Ismailian press.
Ibn Ashour, & Mohammed bin Taher (Beyta) Al-Tahrir and Al-Tanvir. Vol. 1
Ibn-e-Manzoor, Muhammad bin Makarem. (1994). Lissan al-Arab. Vol. 13, 3rd ed., Beirut, Lebanon: Dar al-Qarl libat, Al-Nashr and Al-Tha'zar
Ahmad ibn Fars Zakaria, & Abolhossein. (1984) Mo'jam Moghacees al-Loghah, Vol. 3, 1st ed., Qom, Iran: Islamic Propaganda Publishing House
Emami Kashani, M. (2013). Basharat al-Aman be mauoud Al_adian. Al-Jaza al-Awl
Baghdadi, Ala'ddin Ali ibn Muhammad. (1995). Labab al-Ta'vil fi Ma'ani al-Tanzil. Vol. 1, 1st ed., Beirut, Lebanon: Dar al-Kabul Al-Amiya
Payandeh, A. (2003). Nahj al-Fusayeh (the collection of words of the Prophet's Prophet's Prophet, peace be upon him), fourth edition, Tehran, the world of knowledge
Payande, (2003). Nahj-al feṣāḥa. Tehran, Iran: Donyaye Danesh
Ali J. (2005). Al-Mahdi al-Muntazar Enda al-Shi'a al-'Athna AShrehie. (Abul'id Doodu, Trans.), al-Tawba'at al-Awli, al-Najaf, al-mkātba by al-Ma'rafah
Johari, Ismail ibn Hamad. (1990). Al-Sahah-Taj al-Lughat VA saḥah al-Arabiya. Vol. 5, 1st ed., Beirut, Lebanon: Dar al-Elam Lelmalaen
Haghi Brosavi, I. (Beethat). Tafsir of Roh al-Bayan (Interpretation). Vol. 3, Beirut, Lebanon: Dar al-Fakr
Homiri, Neshwan bin Sa'id (2000). Shams al-ulum and Dawa Kalam al-Arab al-Koolum, Vol. 5, 1st ed., Beirut, Lebanon: Dar al-Fakr al-Mu'aser
DavarPanah A. (1996). Anvar Al-Erfan fi Tafsir. Al-Quran. Vol. 9, Tehran, Iran: Sadr
Zamakhshari, A., & Mahmud bin Umar (1997). Al-Fayegh fi Gharib al-Hadith, Vol 3, 1st ed., Beirut, Lebanon: Dar al-Kumar
Sayyid Qutb, Sayyid ibn Qutb ibn Ibrahim Sha'zali (1992), fi Zalale Al-Qur'an, Vol. 5, 17th ed., Beirut – Cairo: Darleshrouh
Siouti, J. (1984). Al-Durr al-Mansour fi-Tafsir al-Ma'athur. Vol. 3, Qom: Ayatullah Marashi Najafi Library
Shaybani, Mohammad ibn Hassan. (1993), Nahj al-Bayan, A cashf Ma'ani al-Quran, Vol. 1, 1st ed., Tehran: Islamic Encyclopedia Foundation
Shaybani, Mohammad ibn Hassan. (1993) Nahj al-Bayan, A cashf Ma'ani al-Quran, Vol. 3, 1st ed., Tehran: Islamic Encyclopedia

- Sahib bin Abad al-Kafa al-Qa'afah, & Ismail ibn Ebad. (1994). Al-Moḥyṯh fi al-laghah, Vol. 9, 1st ed., Beirut: Alam al-Maktab.
- Tabarsee, Fazl ibn Hasan. (1993). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Vol. 9, 3rd ed., Tehran: Naser Khosrow Publishin
- Tusi, Mohammad ibn Hassan. (Beyta). Al-Tibyan fi tafsir al-Qur'an Vol. 8, Beirut: Dar Ehya altrath alarbi
- Fakhr Razi, Abu Abdullah Mohammed bin Omar. (2000). Mafatih al-Ghayb. Vol. 16, 3rd ed., Beirut, Dar Ehya altrath alarbi
- Fazlollah, Seyyed Mohammad Hussein. (1999). Tafsir Men wahy al-Qur'an, 16th, 2nd ed., Beirut: Dar Almakl llatbaa and al-nashr
- Faiz Kashani, Mullah Fatollah. (2003). Zubdat al-tafasir, Vol. 7, 1st ed., Qom: Islamic Foundation
- Fayaz Kashani, Mullah Fathollah (1957). Manhaj al-ṣādiqīn fi ilzām al-mukhālifīn
- Mostafavi, H. (1982). Al-Tahghegh fi kalamat al-Quran al-Kareem, Vol. 5, 1st ed., Tehran: center of the book and Translation
- Novi Javie, & Mohammad bin Umar. (1997). Marah Labid Lkashf Ma'ni al-Quran al-Majid, Vol.1, 1st ed., Beirut: Dar al-Kabul Al-Amiya
- Va'sati Zubaidi, S. M., & Hosseini, M. (1994) Taj al-Arsu, men Javahar Al-Qamus, Vol. 18, 1st ed., Beirut: Dar al-Fakr lltavbaa'et and Alnshir and al-Thouzar
- Persian sources**
- Rahnama, Z. (1967) .Tafsir Rahnama (Translation and commentary), Vol. 4, Tehran, Iran: Kayhan Publishing
- Mesbah Yazdi, M. T. (2001). Jamehe VA tarikh AZ didgahe Qur'an (Society and History from the Viewpoint of the Qur'an), Vol. 5. Qom, International Publishing Company of Islamic Propagation Organization
- Motahari, M. (2007). The collection of works by Shahid Motahari Master, Vol. 1, 14th ed., Tehran: Sadra Publications
- Motahari, M. (2007). The collection of works by Shahid Motahari, Vol. 3, 14th ed., Tehran: Sadra Publications
- Motahari, M. (2008). The Revolt and Revolution of Mehdi (A.S.) In Motahari, M. Collected Works by Shahid Motahari, Vol. 24, 2nd ed., pp. 442-406.
- Makarim Shirazi, N. (1995). Tafsir Nemooneh, Vol. 17, 1st ed., Tehran: Dari Elektb al-Islamiyya.
- Mousavi Hamedani, S. M. B. (1995). Tafsir al-Mizan, Vol. 9, 5th ed., Qom: Islamiyah Publications Office
- Saeedi Mehr, M. (2014) an Introduction to KALAM (Islamic Theology). Vol. 1, 15th ed., Qom, Iran: TAHA Cultural Institution.